



از رسم الخط پر علامت تا رسم الخط کم علامت

یونس باقری

مصاحبه با استاد سید مهدی سیف

○ رشد آموزش قرآن: جناب آقای استاد سیف، لطفاً مختصری از زندگی‌نامه‌ی خود را برای خوانندگان مجله بیان بفرمایید.

○ جلسات قرآن مرحوم پدرتان، قبل از انقلاب کجا تشکیل می‌شد؟

● در بازار تهران، در مسجد «شاه» که الان مسجد امام خمینی (ره) است، از طرف ورودی خیابان پانزده خرداد، شبستانی وجود داشت که ضلع شمالی مسجد محسوب می‌شد و به «شبستان معمارها» معروف بود. هر شب جلسات قرآن برگزار می‌شد.

جلسات صبح ایشان هم در مسجد «سید عزیرالله» بازار تهران در حیاط مسجد، جلوی شبستان برگزار می‌شد، در آن زمان آیت‌الله خوانساری در شبستان مسجد درس خارج

● آقای سیف: بسم‌الله الرحمن الرحیم و صلی‌الله علی محمد و آله. بنده در سال ۱۳۳۸ متولد شدم و دارای دو فرزند دختر و پسر هستم. فعالیت قرآنی را از کودکی و با جلسات مرحوم پدرم آغاز کردم؛ چون مرحوم پدرم هر روز، صبح و شب جلسه‌ی قرآن داشت که کلاس‌های آموزشی بودند و به طور سنتی قدیم اداره می‌شدند. من هم به‌طور طبیعی و خودجوش و با حالتی کودکانه، در جلسات پدرم شرکت می‌کردم. این حضور مستمر موجب شد که قاری قرآن شوم. یعنی بدون این‌که قواعد کلاسیک را یاد بگیرم، در اثر استماع و قرائت قرآن، به‌تدریج قاری شدم. بعد از

داشت و مرحوم ابوی ما بیرون از شبستان، جلسه‌ی قرآن.
○ آیا جلسات قرآن ایشان به صورت خودجوش و مردمی
تشکیل می‌شد؟ این جلسات شامل چه آموزش‌های
قرآنی بود؟

● بله، این جلسات کاملاً مردمی بودند و تقریباً به‌طور مطلق،
آموزش‌های قرآن در آن‌ها ارائه می‌شد؛ یعنی مخصوص قرائت
یا معنای قرآن به تنهایی نبودند، بلکه شامل همه‌ی آن‌ها
می‌شدند.

○ یعنی از همان زمان، ایشان در تدریس به قرائت و
مفاهیم با هم توجه داشتند؟

● بله، یکبارچه می‌دیدند، حتی می‌فرمودند، قاری که نفهمد
چه می‌خواند، قاری نیست. یعنی قرائتی که مفهوم نباشد،
قرائت نیست. خود ایشان در هر جلسه عملاً به همه‌ی آیات
نمی‌پرداختند و بعضی را انتخاب می‌کردند. هم روی کلمات کار
می‌شد، هم روی نحوه‌ی تلفظ و قرائت صحیح و هم روی معنای
کلمات و عبارات، و هم تفسیر و شأن نزول و مسائل گوناگون
قرآن. یعنی قرائت، فهم و درک و معارف، همه درهم تنیده، با
هم، در جلسه مطرح می‌شدند.

○ ایشان برای این جلسات کتاب خاصی را معرفی
می‌کردند یا فقط همان قرآن کریم بود؟

● نه، آن‌چه معرفی و استفاده می‌شد، منابع اصلی بودند؛ مانند
«النشر» و «مجمع‌البیان» که از کتب «مرجع» بود.

○ همین النشر به زبان فارسی بود یا عربی؟

● به عربی بود.

○ آیا کسانی که در جلسه شرکت می‌کردند، قادر به
استفاده از آن بودند؟

● کتاب‌های مربوط به قرائت عمدتاً عربی بودند، ولی اغلب
کتاب‌های مربوط به تفسیر به فارسی ترجمه شده بودند؛ مانند
«مجمع‌البیان» و «المیزان».

○ به غیر از خود شما که هم از شاگردان برجسته‌ی
پدرتان بودید و هم از افراد صاحب نام در فعالیت‌های
قرآنی کشورمان هستید، چه افراد دیگری از شاگردان
ایشان در حال حاضر در عرصه‌ی فعالیت‌های قرآنی
کشور، صاحب نام و معروف هستند؟

● خیلی از افراد در کلاس ایشان شرکت می‌کردند؛ به‌ویژه از
بازار تهران. اکثر بازاریان با جلسات قرآنی مرحوم پدر آشنا بودند
و خیلی از قاریان شرکت می‌کردند. منتها همه‌ی آن‌ها شاگرد
این جلسات محسوب نمی‌شدند.

○ در همین حد که حتی ترددی در این جلسات داشتند.

● بله، مثلاً استاد مروت که استاد بسیاری از استادان معروف
به‌شمار می‌رود، گاهی در جلسات مرحوم پدر شرکت می‌کرد یا
حسین رادمنش که از پیشکسوتان قرآنی محسوب می‌شود.
خیلی از آن افراد از دنیا رفته‌اند و اگر هم کسانی زنده باشند، پیر
شده‌اند و خیلی‌های دیگر که نامشان را به یاد نمی‌آورم.

○ این جلسات قبل از انقلاب بین چه سال‌هایی برگزار
می‌شدند؟

● از سال ۴۴ و ۴۵ به بعد. یادم هست، قبل از این که وارد مدرسه
شوم، این جلسات شروع شده بود.

○ پس این موضوع به بیش از ۴۰ سال پیش برمی‌گردد.
● بله. البته تا آن‌جا که حافظه‌ی من یاری می‌کند، ولی فکر
می‌کنم قدمت جلسات پدرم به قبل از این سال‌ها برمی‌گردد.

○ ظاهراً ایشان قبل از این که در بازار تهران جلسات قرآن
داشته باشند، در نجف اشرف این جلسات را داشته‌اند؟

● البته من آن زمان را به یاد ندارم. نشو و نمای مرحوم پدر در
اصفهان بود و ایشان اصالتاً اصفهانی بودند. بعد به عتبات هجرت
کردند و در نجف اشرف از اعوان و انصار و طلبه‌های مقرب آقا
سید ابوالحسن اصفهانی- مرجع یگانه‌ی آن زمان- بودند.
مدتی هم در کاظمین سکونت داشتند و درس حوزوی‌شان را
در همان نجف و کاظمین می‌گذرانند و در کربلا هم دوره‌ای
داشتند. البته همه‌ی این‌ها قبل از تولد من بوده است.

○ ایشان در کنار این جلسات قرآن، اشتغال دیگری
هم داشتند؟

● درآمد و معاش ایشان از طریق حوزه نبوده است، بلکه به داد
و ستد فرش مشغول بودند و از شهریه استفاده نمی‌کردند.

○ از چه زمانی و با چه کارهایی وارد امور قرآنی شده‌اید؟

● تحصیلات قرآنی‌ام از جلسات مرحوم پدر شروع شد و تدریس
قرآن را هم از همان جلسات آغاز کردم. یعنی وقتی به دوران
جوانی رسیدم و حدود ۱۷ سالم بود، یک جلسه‌ی کوچک در
کنار جلسه‌ی ابوی تشکیل دادم که کودکان و نوجوانان پیش
من می‌آمدند و بزرگ‌ترها پیش پدرم می‌رفتند.

اوایل انقلاب، در آموزش و پرورش در دوره‌های ابتدایی،
راهنمایی و متوسطه مشغول تدریس شدم و هم‌چنین در مراکز
تربیت معلم دارالفنون و شهید ثانی و دانشگاه‌های امام صادق (ع)،
تربیت معلم شهید بهشتی و دانشکده‌ی علوم قرآنی تدریس کردم.
از سال ۱۳۶۹ تا اوایل ۱۳۷۲ هم در «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف
کتاب درسی» مشغول کار شدم که مقارن با شروع درس قرآن در



در رسم الخطها، سلايق متفاوتی اعمال شده‌اند که در طول تاریخ ادامه داشته است. البته یک سلسله از مسائل مورد نیاز بوده و اعمال شده‌اند، ولی یک سلسله هم صرفاً سلیقه بوده‌اند یا براساس تجزیه و تحلیل‌ها و سلايق متفاوت و علامت‌گذاری‌ها و شیوه‌های گوناگون به وجود آمده‌اند.

مراکز تربیت معلم و دانشکده‌های علوم قرآنی، و چه در هیئت‌ها و جلسات سنتی خودمان که هنوز هم ادامه دارد.

○ در زمینه‌ی رسم الخط و آموزش قرآن بیشتر درباره‌ی چه موضوعاتی تأمل می‌کردید.

● این امر باعث شد که من در دو چیز تأمل و مطالعه‌ی بیشتری داشته باشم: یکی در رسم الخط قرآن و دیگری در روش تدریس قرائت. البته در روش تدریس مفاهیم هم، در کنار دوستان به‌ویژه جناب استاد مسعود وکیل فعالیت‌هایی داشته‌ام که به من کمک کرد، در روش تدریس مفاهیم هم اطلاعات و تجربیاتی به‌دست آورم. اما عمده‌ی فعالیت من در زمینه‌ی رسم الخط و روش تدریس روخوانی و تجوید بوده است که این تجربیات سبب شد، در سیر کتابت، علامت‌گذاری و تکامل رسم الخط قرآن و وضع فعلی رسم الخط قرآن در جهان اسلام که متنوع و متعدد است، به نتایج مفیدی برسم.

○ ممکن است درباره‌ی رسم الخط کشورهای مختلف توضیحاتی برای خوانندگان بدهید.

● رسم الخط جهان عرب، ترکیه و ایران با هم فرق دارد و هر یک شیوه‌های خاص خود دارند. از طرف دیگر، در کل شبه‌قاره‌ی هند که شامل هند، پاکستان، بنگلادش، افغانستان، سری‌لانکا، مالزی و اندونزی، یعنی تمام شبه‌قاره‌ی هند و اطراف آن می‌شود، شیوه‌ی دیگری از رسم الخط متداول است. در کشور ما از همه‌ی این شیوه‌ها استفاده می‌شود، به غیر از شیوه‌ی شمال آفریقا. در استان سیستان و بلوچستان، شرق استان خراسان و استان‌های هرمزگان و بوشهر، یعنی استان‌های شرقی و جنوبی ایران از شیوه‌ی شبه‌قاره‌ی هند استفاده می‌شود. رسم الخط ایرانی هم وجود دارد که اصالتاً متعلق به ایران است. قبلاً از رسم الخط ترکیه در ایران خیلی استفاده می‌شد که هنوز هم کم‌وبیش وجود دارد و خیلی نزدیک است به رسم الخط ایرانی. رسم الخط کشورهای عربی مثل مصر، سوریه و عربستان که در واقع یکی

دبیرستان بود و در ترمیم و بازسازی کتاب‌های درسی ابتدایی و راهنمایی، و تألیف کتب درس قرآن دبیرستان همکاری داشتیم. بعد از آن مجدداً مشغول تدریس در مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌ها شدم. از سال ۱۳۷۶ تاکنون نیز با توجه به تخصصی که در قرائت و رسم الخط قرآن دارم، کارشناس قرائت و رسم الخط قرآن دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی قرآن هستیم.

○ ظاهراً باید فعالیت‌های شما را به دو بخش تقسیم کنیم: فعالیت‌های آموزشی خارج از دفتر تألیف که تا حدودی آن‌ها را شرح دادید، دیگر آن فعالیت‌هایی که در دفتر تألیف داشته‌اید. در تکمیل فعالیت‌های آموزشی‌تان اگر مطلبی دارید بفرمایید تا وارد بخش دوم شویم.

● سال ۱۳۵۹ تدریس در مدارس را آغاز کردم. از سال ۱۳۶۱، تدریس در دانشگاه امام صادق (ع) و فعالیت در گروه قرآن «سازمان تبلیغات اسلامی» پرداختم که تا سه سال طول کشید. در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵، «دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن» را با همکاری استاد سید محسن خدام‌حسینی بنیان‌گذاری کردم و هر سال چند دوره در مسابقات کشوری، استانی، منطقه‌ای و بین‌المللی، داوری می‌کنم.

○ آیا قبل از تأسیس دفتر نظارت در زمینه‌ی رسم الخط پژوهشی داشتید.

● قبل از فعالیت در دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن، سوابقی در زمینه‌ی رسم الخط و قرائت قرآن داشتم. تأسیس این دفتر موجب شد که بیشتر مطالعه کنم و پی‌گیر شوم. از سال ۱۳۶۴ به بعد، مطالعات من روی رسم الخط قرآن، تاریخ رسم الخط قرآن، سیر تغییر و تحول و رشد و تکامل رسم الخط قرآن، و مسائل و مشکلاتی که در حال حاضر در آموزش روخوانی با آن مواجه هستیم، متمرکز شد. خوش‌بختانه من هرگز از تدریس روخوانی و تجوید قرآن منفک نبوده‌ام و همه ساله تدریس داشته‌ام؛ چه تدریس رسمی در آموزشگاه‌های رسمی، مدارس،

از شایع‌ترین رسم‌الخط‌های قرآن در جهان اسلام است، یعنی خط مشهور عثمان‌طه که به شیوه‌ی مصری نوشته شده است، در حال حاضر شایع‌ترین رسم‌الخط در کشور ماست.

در جهان اسلام شایع‌ترین رسم‌الخط، رسم‌الخط هندی است؛ چون شبه‌قاره‌ی هند و اطراف آن بیشترین تعداد مسلمانان را در خود جای داده‌اند. دومین رسم‌الخط شایع و متداول، رسم‌الخط مصری است. در درجه‌های سوم و چهارم، رسم‌الخط‌های ترکی و ایرانی هستند و رسم‌الخط ایرانی منحصر به ایران می‌شود.

من این رسم‌الخط‌ها را مطالعه کرده‌ام. این رسم‌الخط‌ها در دست مردم بودند و دانش‌آموزان ما با عموم این رسم‌الخط‌ها سروکار داشتند؛ به‌ویژه دو رسم‌الخط ایرانی و مصری. این باعث می‌شد که تدریس روخوانی دارای وحدت رویه نباشد. بدین ترتیب، معلم با هر روشی تدریس می‌کرد، دانش‌آموزان رسم‌الخط‌های دیگر را نمی‌توانستند بخوانند و مشکلاتی داشتند. در واقع، تفاوت‌ها برایشان مشکل‌ساز بود.

از طرف دیگر در رسم‌الخط‌ها، سلاقی متفاوتی اعمال شده‌اند که در طول تاریخ ادامه داشته است. البته یک سلسله از مسائل مورد نیاز بوده و اعمال شده‌اند، ولی یک سلسله هم صرفاً سلیقه بوده‌اند یا براساس تجزیه و تحلیل‌ها و سلاقی متفاوت و علامت‌گذاری‌ها و شیوه‌های گوناگون به‌وجود آمده‌اند.

کما بیش این رسم‌الخط‌ها را بررسی و به‌طور کلی محاسن و ضعف‌های آن‌ها را استخراج کردیم؛ چه از نظر کتابت حروف و کلمات و چه از نظر کتابت حرکات و علائم. حتی علائم وقف را هم بررسی کردیم. همین‌طور مسائل مربوط به خوش‌نویسی را که در خواندن قرآن نقش و دخالت دارند. به هر حال، هر انسان خیرخواه و عاقلی برای امر قرآن به دنبال آن است که زیباترین و در عین حال آسان‌ترین خط را در اختیار داشته باشد و از لحاظ علمی و منابع و مدارک معتبر باشد.

○ استاد درباره‌ی انتخاب رسم‌الخط باید به چه ملاک‌هایی توجه کنیم.

● در مجموع سه عنصر باید در نظر گرفته شوند: اول، منابع، مدارک و اسناد رسم‌الخط قرآن - که از صدر اسلام تاکنون بررسی شده‌اند - دوم، سهولت و آسانی رسم‌الخط، و سوم زیبایی و چشم‌نواز بودن آن. هر یک از این عناصر، مسائل مخصوص به خود را دارد که می‌توان به‌طور مفصل درباره‌ی آن‌ها صحبت کرد.

○ نتیجه‌ی پژوهش‌های شما در رسم‌الخط منجر به چه موضوعی شد.

● سرانجام، کوشش‌ها باعث شد به رسم‌الخطی برسیم که امتیاز همه‌ی رسم‌الخط‌ها را داشته باشد. متقابلاً، همه‌ی رسم‌الخط‌ها مشکلاتی دارند که از آن‌ها هم پرهیز کردیم. نتیجتاً به رسم‌الخطی رسیدیم که شامل عمده‌ی محاسن و فاقد عمده‌ی مشکلاتی است که در رسم‌الخط‌ها وجود دارند. به این رسم‌الخط، «رسم‌الخط کم‌علامت» یا «رسم‌الخط ایرانی جدید» گفته می‌شود. این رسم‌الخط کم‌علامت و خلوت و نزدیک‌ترین رسم‌الخط به خط فارسی است.

البته مشکلات متعددی در این راه بوده و هست. از میان مربیان، معلمان و کارشناسان، برخی موافق و برخی مخالف بودند. بعضی از این تأییدها و مخالفت‌ها، به علت علم و دلیل و سند بوده است و بسیاری از آن‌ها هم به دلیل عدم علم و احاطه داشتن به موضوع و هم‌چنین تعصبات و سلیقه‌های شخصی. به هر حال هر کاری با این گونه مشکلات مواجه می‌شود. به فضل خدا این رسم‌الخط مورد قبول بسیاری از عزیزان، به‌ویژه معلمان ورزیده در امر آموزش قرار گرفته است. این معلمان امر آموزش را خیلی واقعی و مستدل نگاه می‌کنند.

○ آیا رهبر معظم انقلاب اسلامی در زمینه‌ی این رسم‌الخط نظری بیان داشته‌اند.

● رهبر معظم هم از این رسم‌الخط استقبال کرده‌اند. البته ایشان هم اختلاف رسم‌الخط را در کشور یک مشکل بزرگ می‌دانند و عده‌ای را موظف کرده‌اند، در این زمینه بررسی کنند و ضابطه‌ای را برای رسم‌الخط آینده‌ی کشور جمهوری اسلامی و در نتیجه یک مصحف جمهوری اسلامی که دارای مشخصات معتبر علمی، روشی و از هر نظر مقبولیت در جهان اسلام باشد، پدید آورند. به این ترتیب، رسم‌الخط جدیدی در مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی و زیر نظر دفتر ارتباط مردمی بیت رهبری شکل گرفت. البته این رسم‌الخط هنوز به حالت نهایی نرسیده است. عمده مسائل آن، یعنی کتابت حروف، کتابت حرکات و علائم گوناگون آن شکل گرفته‌اند، ولی هنوز نهایی نشده است. هنوز به‌طور قطعی با استانداردهای مورد انتظار جمهوری اسلامی مختصری فاصله دارد و فرصت بیشتری می‌خواهد که با آزمایش‌های متفاوت به کمال برسد. ان‌شاءالله ما در آینده بتوانیم رسم‌الخطی معتبر و استاندارد برای کشورمان داشته باشیم که هم از سندیت، مستدل و علمی بودن، و مقبولیت جهانی در جهان اسلام برخوردار باشد، هم از نظر زیبایی و خوش‌نویسی ظاهر شکیل و زیبایی داشته باشد و برای عموم مردم دلپذیر



و حاج آقای نعمانی، دو بزرگوار از مسئولین روحانی سازمان تبلیغات که در بخش برنامه‌ریزی و مدیریت نقش داشتند، امتیاز این خط را از دارالشامیه خریدند تا چاپ شود. این چاپ‌ها را هم من دارم. بعداً به همه‌ی ناشران اجازه داده شد که این خط را چاپ کنند و همه‌ی ناشران شروع کردند به چاپ آن. یادم هست ناشرانی مثل سبحان، فقیه، صالحی و دیگران، شروع به چاپ آن کردند. هر تعداد هم چاپ می‌شد، مردم استقبال می‌کردند و مورد استفاده قرار می‌گرفت.

○ پس می‌توان گفت کشور عربستان رسم الخط عثمان‌طه را بعد از ایران چاپ کرد.

● بله، در سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ که عربستان سعودی هم یک مجتمع چاپ و نشر قرآن تأسیس کرد، کارشناسان عربستان هم بهترین خط را انتخاب کردند که همان رسم الخط عثمان‌طه بود. عربستان در همان سال‌های ۶۳ و ۶۴ و ایران سه چهار سال قبل از عربستان، خط عثمان‌طه را چاپ و توزیع کردند.

○ علت استقبال از رسم الخط عثمان‌طه در ایران چه چیزی بوده است.

● به هر حال این خط به زودی رونق پیدا کرد و در کشور ما در حال حاضر شایع‌ترین رسم الخط است. البته خط‌های دیگر هم در کنار این رسم الخط وجود دارند؛ مثل خط مرحوم طاهر خوشنویس و خالقی زنجانی. ولی بالاخره خط عثمان‌طه شایع‌ترین خط شد، چون مردم بیشترین استقبال را از آن کردند. حتی مترجمین قرآن مخصوصاً مترجمین درجه‌ی یک، خط عثمان‌طه را انتخاب می‌کردند. چون مترجم خودش خط را

باشد، و هم از نظر آموزشی و خواندن، آسان، ساده و نزدیک به سوادآموزی فارسی باشد.

○ بحث خوبی شد. من سؤال دیگری دارم. رسم الخط عثمان‌طه را چه کسی وارد ایران کرد و زمینه‌های اجتماعی این کار چه بود؟

● من قبل از این که رسم الخط عثمان‌طه وارد ایران شود، با آن آشنا شدم. در سال ۱۳۵۸ بود که به سوریه رفتم. در بازار حمیدیه، نزدیک مسجد اموی، کتاب‌فروشی‌هایی هستند که اغلب آن‌ها کتاب‌های مذهبی عرضه می‌کنند. در آن کتاب‌فروشی‌ها در مورد قرآن‌ها بررسی و تفحصی داشتم. خط عثمان‌طه را اولین بار در آن‌جا دیدم. وقتی قرآن را باز کردم، خط آن را بسیار زیبا دیدم و چون خیلی تمیز چاپ شده بود، نظرم را جلب کرد و خیلی خوشم آمد. یادم هست که آن زمان، من اولین نسخه‌ی عثمان‌طه را ۶۰ لیر سوری خریدم.

○ برای چاپ رسم الخط عثمان‌طه چه کشورهایی پیشقدم بوده‌اند.

● در آن زمان در کشور ما اصلاً خط عثمان‌طه وجود نداشت. این خط واقعاً زیبا و شکیل بود که هر کسی آن را می‌دید، خوشش می‌آمد و به آن علاقه‌مند می‌شد. در نتیجه، ابتدا در کشور سوریه و سپس در لبنان که از نظر چاپ و نشر بسیار پیشرفته و پیشگام است، مورد استقبال عموم ناشران قرار گرفت. اولین ناشر این خط، «دارالشامیه» دمشق بود و بعد از آن، همه‌ی ناشران لبنانی اجازه گرفتند و آن را چاپ کردند. در نتیجه، این خط در جهان اسلام به سرعت رواج پیدا کرد. در ایران هم حاج آقای تسخیری

کنون انجام شده، عمدتاً فعالیت‌ها، مطالعات و تجربیات شخصی بوده است. کار علمی و ملی در این زمینه انجام نشده است.

○ ارتباط این رسم الخط کم علامت با کتاب‌های درسی مدارس چیست؟

● در دفتر تألیف این نگرش بوده و هست که ارتباط افقی دروس را با هم ببینیم. ارتباط افقی دروس، یعنی این که دروس فارسی، ریاضی، قرآن، علوم و سایر دروس، همدیگر را معاضدت و تقویت کنند. یعنی از اطلاعات هر درسی در درس دیگری استفاده شود؛ به‌ویژه درس‌هایی که هم سنخ هستند، مثل فارسی، عربی، دینی و قرآن که با هم ارتباط بیشتری دارند، مخصوصاً درس‌های فارسی و قرآن نگاه جدیدی که در دهه‌ی اخیر در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی شکل گرفته و بسیار مؤثر و جهشی هم بوده، این است که ما آموزش قرآن را براساس سواد فارسی شکل بدهیم و دنبال کنیم. چرا؟ چون اولین سواد که دانش‌آموز پیدا می‌کند، سواد فارسی است.

نکته‌ی دیگر این است که الفبا و علائم فارسی همان الفبا و علائم عربی است. الفبای فارسی در پایه‌ی اول دبستان با دقت بیشتری آموزش داده می‌شود و بعد ساده‌تر و خلوت‌تر به کار می‌رود. در عربی هم همین‌طور است. یعنی سواد عربی هم در ابتدا دقیق‌تر، کامل‌تر و پرعلامت‌تر اتفاق می‌افتد و بعد برای عرب زبان‌ها که زبان مادری آنان است، خلوت‌تر و کم‌علامت‌تر می‌شود.

این نکته باعث شد که کارشناسان توصیه کنند، رسم الخط قرآن هر چه نزدیک‌تر به رسم الخط فارسی شکل بگیرد. یعنی آموزش قرآن در آغاز از سواد فارسی بهره ببرد و از نقطه‌ای که نزدیک‌ترین نقطه به سواد فارسی است، روخوانی و قرائت قرآن شروع شود. بعد به تدریج برسد به رسم الخط کامل و متداول قرآن که این سرانجام آموزش است. پس یک آغاز داریم برای روخوانی قرآن و یک انجام داریم. آغاز آموزش روخوانی، سواد فارسی است، الفبای فارسی است و نقطه انجام آن، رسیدن به رسم الخط متداول و متعارف قرآن در جامعه است. براساس این اصل مهم در آموزش که بیان می‌دارد: آموزش باید از ساده و آسان به سمت مشکل و از معلوم به سمت مجهول برود، آموزش روخوانی از حالت ساده و معلوم آغاز می‌شود و به حالت پیچیده و کامل آن می‌رسد که همین رسم الخط متداول است.

○ پس می‌توان گفت دلیل انتخاب رسم الخط کم‌علامت

انتخاب می‌کند، لذا عمده ترجمه‌های معاصر، مخصوصاً این دو سه دهه‌ی اخیر که ترجمه‌های فراوانی از قرآن داشته‌ایم، همه به خط عثمان‌طه چاپ و توزیع شده‌اند. این هم یکی از دلایل رواج خط عثمان‌طه بود. گرچه این خط برای روخوانی مشکلات عدیده‌ای دارد که در جای خودش درباره‌ی آن بحث و بررسی می‌شود. ولی کلاً این خط چشم‌نواز است و هر کس آن را می‌بیند، از آن خوشش می‌آید و به آن علاقه‌مند می‌شود.

○ سؤال بعدی این است که چه زمینه‌هایی ایجاد شد که شما به فکر تولید یا ایجاد رسم الخط کم‌علامت افتادید؟ آن چه که الان در جامعه به عنوان رسم الخط کم‌علامت شناخته می‌شود.

● اول تدریس وسیع روخوانی قرآن به عموم مردم، این مسئله را پیش آورد. از روزی که معلمی را شروع کردم، یعنی از سال ۱۳۵۸ تا به حال، هیچ زمانی از تدریس روخوانی منفک نبودم. این ارتباط مستمر من با تدریس روخوانی، چه برای نوآموزان، چه برای مربیان، معلمان و دانشجویان، باعث شد با مشکلات عدیده‌ای که در رسم الخط وجود داشت، مواجه شوم. به همین سبب بر آن شدم، هم در روش تدریس و هم در شیوه‌ی کتابت قرآن، تجدیدنظر کنم. ما در کجا مجاز هستیم که رسم الخط را از نظر علمی و از نظر آموزشی تغییر دهیم و به سمت مطلوب‌تر، آن را شکل بدهیم؟ یک عامل این بود.

عامل دیگر، گرفتاری‌هایی بود که معلمان داشتند، و مشکلاتی که مرتب با آن‌ها مواجه بودند. از همه مهم‌تر این که شیوه‌ی موجود باعث غلط خواندن مردم می‌شود. البته اشتباه خواندن مردم، فقط از اشکالات رسم الخط نیست و متعدد است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، عدم انس با قرآن است. دوم، روش تدریس و ضعف شیوه‌های تدریس معلمان و مربیان است. سوم، خود رسم الخط و شیوه‌های رسم الخط است که به هر کدام آن‌ها در جای خودش باید بپردازیم.

شیوه‌های رسم الخط موجود، چه خط عثمان‌طه و شیوه‌ی کشورهای عربی، و چه شیوه‌ی ایرانی و سایر شیوه‌ها، هر کدام به نوعی باعث اشتباه خواندن مردم می‌شود. من همه‌ی این رسم الخط‌ها را تجربه کرده‌ام. البته این موضوع به کار علمی و آزمایش نیاز دارد. باید رسم الخط‌ها را در کنار هم امتحان و بررسی کنیم و محاسن و معایب هر کدام را استخراج کنیم. این کار به‌طور علمی و کامل هنوز اتفاق نیفتاده است. اگر هم کاری تا





برای مدارس نظر کارشناسان زبان آموزی و متخصصین آموزش قرآن بوده است.

خوش‌نویسی هم تا حد زیادی در آن ملحوظ شده است. البته اگر بخواهد وضع جامعه با همین رسم‌الخط‌های متعارف باشد، ما باید تدابیری داشته باشیم که در دوره‌ی راهنمایی، دانش‌آموزان آرام‌آرام با رسم‌الخط متعارف و متداول ایرانی، نه این رسم‌الخط جدید ایرانی، بلکه با رسم‌الخط قدیمی و سنتی ایرانی و همین‌طور رسم‌الخط مصری و کشورهای عربی که شایع‌ترین رسم‌الخط‌های کشور ما هستند، آشنا شوند تا بتوانند از هر قرآنی در مسجد یا در منزل استفاده کنند.

به‌نظر من شایسته است که قدری هم متناسب با مراکز استان‌ها هم عمل کنیم. یعنی اگر در استان سیستان و بلوچستان و هرمزگان، رسم‌الخط شبه‌فاره‌ی هند متداول‌تر است، آن رسم‌الخط را به دانش‌آموزان منطقه هم یاد بدهیم. باید به سنت‌ها، شیوه‌ها و عرف آن جامعه احترام بگذاریم. ولی در سایر مناطق کشور، دو رسم‌الخط عمده مدنظر است: یکی رسم‌الخط ایرانی است و دیگری رسم‌الخط کشورهای عربی، یعنی مصر و عربستان. باید دانش‌آموز ما در پایان دوره‌ی راهنمایی مهارت خواندن این رسم‌الخط‌ها را داشته باشند، مگر این‌که تغییر و تحولی در کشور صورت پذیرد و همین رسم‌الخط کم‌علامت، به رسم‌الخط اصلی و استاندارد ما، تبدیل شود و دانش‌آموزان مصحف کاملی از این رسم‌الخط در اختیار داشته باشند. آن‌وقت می‌توان از رسم‌الخط‌های دیگر جزوات کمکی تهیه کرد، مثلاً می‌توانیم برای رسم‌الخط عثمان‌طه یک راهنمای مختصر تهیه کنیم که اگر دانش‌آموز خواست، با مطالعه‌ی آن راهنما بتواند از قرآنی با این رسم‌الخط هم استفاده کند. این بستگی دارد به زمان آموزش قرآن، برنامه‌ریزی درس قرآن، و تصمیم‌گیری کارشناسان برنامه‌های درسی و کتب درسی قرآن در آموزش و پرورش.

○ قرآن با رسم‌الخط کم‌علامت را از کجا می‌شود تهیه کرد؟

● چنین قرآنی را در حال حاضر وزارت ارشاد، سازمان اوقاف، مرکز طبع و نشر قرآن که این رسم‌الخط را سازمان‌دهی کرده است و برخی از ناشران تهیه می‌کنند.

○ در شهرستان‌ها، معلمان قرآن با چه عنوانی می‌توانند این قرآن را تهیه کنند؟

● انتشارات اسوه و چاپ و نشر وزارت ارشاد، قرآن با این رسم‌الخط را بارها چاپ کرده‌اند.

● بله دقیقاً این‌طور است، این نگاه باعث شد که رسم‌الخط کم‌علامت انتخاب شود، چون از نظر شیوه‌ی کتابت و کم‌علامت بودن، نزدیک‌ترین رسم‌الخط به خط فارسی است. البته رسم‌الخط کتاب‌های درسی با رسم‌الخط مصحف کم‌علامت تفاوت‌هایی دارد. یکی این است که در کتاب‌های درسی، به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی، عمدتاً از رسم‌الاملا‌ی عربی استفاده شده که نزدیک‌ترین شیوه‌ی کتابت به فارسی است. یعنی از رسم‌المصحف که از رسم‌الاملا‌ی عربی قدری مشکل‌تر است، در کتاب‌های درسی استفاده نشده است؛ مگر به‌صورت صفحاتی از قرآن در پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی، به‌ویژه پایه‌ی پنجم.

تفاوت دوم این است که حروف چینی متن قرآن با حروف معمولی ساده، خیلی باز و به دور از ترکیبات هنری است. نکته‌ی سوم این است که عبارات قرآن به‌صورت جمله‌جمله تقطیع شده‌اند و هر جمله در یک سطر قرار گرفته است تا هم از نظر روخوانی کوتاه و آسان باشد، هم از نظر وقف و ابتدا روشن باشد که از کجا شروع کنیم و در کجا توقف کنیم، و هم از نظر فهم و درک آیات، کار راحت‌تر باشد. اما در مصحف کم‌علامت، یعنی قرآن کاملی که با رسم‌الخط کم‌علامت تهیه شده، این سه مطلب لحاظ نشده است. یکی این‌که از رسم‌المصحف استفاده شده و رسم‌المصحف از رسم‌الاملاء قدری مشکل‌تر است. دوم این‌که سطرها پر هستند و این‌طور نیست که هر جمله در یک سطر باشد. و سوم این‌که از ترکیبات هنری خوش‌نویسی استفاده شده و خط مشکل‌تر از خط ساده‌ی کتاب‌های درسی است.

○ می‌توانید مراحل آموزشی و پیشرفت قرائت قرآن را در مدارس از روی رسم‌الخط مرحله به مرحله توضیح بفرمایید.

● آموزش روخوانی قرآن در کتاب‌های درسی، ابتدا از رسم‌الخط املا‌یی عربی که نزدیک‌ترین حالت به فارسی است، با جمله‌های تقطیع شده - هر جمله در یک سطر - و با خط ساده و به اصطلاح روزنامه‌ای، آغاز می‌شود. سپس می‌رسیم به کتابت قرآن در مصحف شریف که با رسم‌الخط کم‌علامت است و هم‌هی جمله‌ها پشت سر هم آمده‌اند. به‌علاوه، رسم‌المصحف، یعنی کتابت مستند ویژه‌ی قرآن که از صدر اسلام تا کنون وجود داشته، در قرآن کامل رعایت شده و ترکیبات هنری و